

شہید محمد اندر خور



از بسا عیسیٰ

سامانہ جامع سرداران و دوہزار شہید استان بوشہر

| | |
|-------------|---------------|
| نام پدر | حسین |
| تاریخ تولد | ۱۳۴۶/۰۲/۱۰ |
| محل تولد | بوشهر - دیر |
| تاریخ شهادت | ۱۳۶۱/۰۲/۲۴ |
| محل شهادت | سلمچه |
| مسئولیت | رزمنده |
| نوع عضویت | بسیج |
| شغل | دانش آموز |
| تحصیلات | دوره دبیرستان |
| مدفن | بردستان |

زندگینامه

شهید محمد اندرخور در سال ۱۳۴۶ در خانواده‌های مذهبی در بردستان به دنیا آمد. دوران کودکی را در دامان پاک مادر و با رزق حلال پدر پشت سر گذاشت. در سن هفت سالگی وارد دبستان شد؛ در مدرسه یکی از شاگردان ممتاز بود و هرگز از درس خواندن خسته نمی شد. اخلاق خوب و چهره معصومش، زبانزد دانش آموزان شده بود. دوران ابتدایی را با موفقیت به اتمام رساندی و وارد مدرسه راهنمایی بردستان شد. ورودش به دوره راهنمایی، همزمان با اوج گیری نهضت اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی (ره) بود. شهید با وجودی که بسیار کوچک بود، در پخش اعلامیه های انقلابی و شرکت در راهپیمایی ها نقش موثری داشت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و برقراری جمهوری اسلامی، شهید اندرخور همچون دیگر پیروان حضرت امام خمینی (ره) هرگز از توطئه ضدانقلاب غافل نشد و در سنگر مدرسه به پاسداری از انقلاب اسلامی می پرداخت. پس از تشکیل انجمن های اسلامی دانش آموزان در مدارس در آبانماه ۱۳۵۸؛ یکی از اعضای فعال انجمن اسلامی مدرسه راهنمایی بردستان بود، با تشکیل بسیج مستضعفین به فرمان حضرت امام (ره)، به خدمت در این ارگان انقلابی پرداخت و پس از پایان دوره راهنمایی، وراد دبیرستان شد. شهید در دبیرستان نیز آرام نمی گرفت و به افشاگری جریان های ضد اسلامی و ضد انقلابی ادامه می داد.

از ابتدای آغاز جنگ تحمیلی، بارها خواستار اعزام به جبهه شد که به دلایلی موافقت نمی شد. سرانجام در تاریخ ۱/۱/۱۳۶۰ با اعزام او به جبهه موافقت شد و به جبهه های نبرد حق علیه باطل اعزام شد. شهید اندرخور در میدان رزم، یکی از شجاع ترین سربازان اسلام بود، چنانکه برادران همسنگرش می گویند: وقتی که به محاصره ی کامل تانک های دشمن در آمده بودیم، او با روحیه ی بسیار عالی و با قلبی مطمئن و امیدوار به آینده، با دشمنان بعضی می جنگید و می گفت اگر تکه تکه بشوم، نه عقب نشینی می کنم و نه اسیر دشمن می گردم که سلالخره در این نبرد نابرابر بر اثر اصابت گلوله تانک های دشمن به زمین می افتد و در تاریخ ۲۴/۲/۱۳۶۱ به آرزوی دیرینه اش، شهادت، نائل می گردد. پیکر پاک و مطهرش، ۴ ماه بر روی خاک های سوزان می ماند و پس از چهار ماه در جوار دوستان و همزمان شهیدش در گلزار شهدای بردستان به خاک سپرده شد.

وصیت نامه

بسم الله الرحمن الرحيم

لا اكراه فى الدين قد تبين الرشد من الغى

من اين راه را به دلخواه خود انتخاب كردم و در راهم به شهادت ميرسم، راهى كه حسين و هفتاد و دو تن از يارانش در آن جان خود را از دست دادند و بدانيد كه من آگاهانه در اين راه قدم نهادهام، چرا كه خون سرخ شهيدان از هاييل تا حسين و از حسين تا شهداي كربلاى جنوب و غرب ايران صدايم ميزند كه چيست تو را؟ و چرا نشستهاى و به آن راهى كه ما در آن راه جان خود را از دست داده ايم نمى روى؟

آخر ما مسلمان هستيم و در عصرى و زمانى زندگى مى كنيم كه ظلم تمام جهان را فراگرفته است و ما بايد خون بدهيم و آنقدر شهيد بدهيم تا اسلام عزيز با ظهور مهدى (عج) پيروز شود و قسط و عدل در سايه توحيد برپا شود و به فرمان امام امت، خمينى بت شكن اسلحه به دوش مى گيرم و براى مبارزه با ظلم و ستم راهى شهر شهادت ميشوم. همانطور كه پيغمبر اسلام فرمود: شرافتمندترين مرگها، شهادت است. من نيز به ندائى آنها پاسخ مثبت مى دهم و شهادت را در راه خدا و احياى حق مستضعفين برگزيدم و بايد بگويم رفتن از اين دنياى فانى به دنياى ابدى، هجرت از يك زندگى سلولوار است به يك گلستان هميشگى.

آرى من فقط براى برقرارى حكومت عدل اسلامى در جهان تحت رهبرى نائب امام زمان (امام خمينى) و براى نجات مستضعفين جهانو برپايى جمهورى اسلامى به رهبرى ولايت فقيه و براى نابودى گروهكهاى وابسته به ابرقدرت هاى چپ و راست كه خود را حامى خلق مى دانند و در حقيقت دشمن خلق هستند؛ پا به ميدان مبارزه گذاشتم و تا آخرين قطره خون خود و آخرين نفس مبارزه خواهم كرد و بدانيد كه من جز براى رضاى خدا مقصودى ديگر نداشتم.

پدر مهربانم و مادر مهربانم مرا حلال كنيد و صبر داشته باشيد كه با صبر در راه خدا اجر عظيمى به شما خواهد رسيد و اى خواهران مهربانم مگرييد كه دشمنان خوشحال مى شوند و همچون زينب پيام را به گوش مردم برسائيد. برادران گراميام در مرگ من نگران نباشيد و صبر و استقامت داشته باشيد و با مشت محكم خود دهان كمونيستها و عمال غرب را خرد كنيد و اى مردم به من جوان ناكام نگوييد زيرا اين راه كه همان راه انبياست و راه يگانه پاسدار كربلا حسين ابن على است انتخاب كردم. و اى برادران گراميام اسلحهام را به دوش گيريد و راهم را ادامه دهيد بالاخره همزمان بسيجيام در مرگ من ناراحت نباشيد و با صبر و استقامت خود همچون گذشته مشت محكمى بر دهان توطئه گران چپ و راست بزنيد و يك نصيحتى به شما دوستان عزيزم دارم، البته كوچكتر از آنم كه به شما چيزى بگويم و نصيحتم اين است كه شما را به خدا قسم قدر و ارزش يكديگر را بدانيد و از غيبت به يكديگر و كبر و غرور حب دنيا پرهيزيد و وقتى از آنها دورى كرديد اينقدر قوى مى شويد كه احساس مى كنيد خدا را داريد ميبينيد.

وسفارش آخرم به شما مردم اين است : وحدت خود را حفظ كنيد و پيرو ولايت فقيه باشيد و به حرفهاى امام عزيزمان گوش كنيد. ديگر عرضى ندارم درپايان برادران عضو بسيج و انجمن اسلامى ابوذر و پدر و مادر و خواهران و برادرانم سلام مى رسانم.

و السلام

سرباز كوچك اسلام □ محمد اندخور



سامانه جامع سرداران و دوازدهمین استان بوئسهر